

بسم الله الرحمن الرحيم

خلاصه جلسه هفدهم تربیت جنسی

استاد نیلچی زاده

## نحوه مواجهه با آسیب‌های تلویزیون در حیا

یکی از سوالاتی که مطرح شده این است که علیرغم بی‌حیایی‌هایی که در تلویزیون اتفاق می‌افتد، در حیطه حیامداری ما چه کاری لازم است انجام دهیم؟

یک کار سلبی و یک کار ایجابی باید انجام داد:

کار سلبی: نهی از منکر نسبت به صدا و سیما است. با هم قرار بگذارید و به صورت جدی و طوفانی با تلفن ۱۶۲ تماس بگیرید، انتقاد کنید و صراحتاً بگویید که مشکلشان چیست، از برنامه‌ی عمو پورنگ تا چیزهای دیگر.

کار ایجابی: تا وقتی که برنامه‌ها نامناسب است، آن برنامه‌ها را واقعاً حذف کنید و به جای آن‌ها بازی دسته جمعی خانوادگی و خوراکی بگذارید.

خیلی مهم است که در تقویت حیا فرزندانمان به آن‌ها بیاموزیم که چگونه با زشتی‌ها برخورد کنند.

## اطرافیان آسیب‌زننده به حیا

برخی دوستان می‌گویند با افرادی هم‌نشین هستیم (مثل پدر، بستگان، دوستان و...) که نوع برخورد، رفتار، پوشش و گفتار آن‌ها آسیب‌زننده به حیا است. مثلاً پدر یا اطرافیان فحش می‌دهند.

بستگان پوشش مناسب ندارند یا ماهواره می‌بینند و... باید چه کار کنیم؟

پاسخ: ارتباط با اینگونه از اقوام و آشنایان را به حداقل برسانید؛ سپس وقتی که آن افراد حضور ندارند با محبت و وقار به بچه‌هایتان توضیح دهید که این آدم‌ها، آدم‌های خوبی‌اند (خوبی‌هایش را بشمارید) ولی کارهای بدی می‌کنند. وقتی که کارهای بدی می‌کنند قرار نیست ما با آنها باشیم چون ما جزء آنها حساب می‌شویم. باید آنها را راهنمایی کنیم کارشان بد است ولی تا زمانی که مشغول به بدی هستند نباید با آنها ارتباط داشته باشیم.

## فحش دادن کودکان

در رابطه با حرف‌های نامناسب هم گاهی اوقات می‌پرسید مثلاً بچه‌ی من فحش می‌دهد، نمی‌دانم از کجا یاد گرفته است و نمی‌دانم چه کار کنم؟ گاهی وقتی بچه‌ای با یک لحن متفاوت فحشی می‌گوید یا مثلاً اعرابش را اشتباه می‌گوید بزرگ‌ترها به او می‌گویند بگو و بعد همه می‌خندند. این موجب می‌شود بچه فکر کند که حتماً کار قشنگ و جالبی می‌کند که همه می‌خندند. یاد می‌گیرد که این کلمه را تکرار کند. این مراقبت را داشته باشید که اگر در جمع خانواده و فامیل، بچه‌ای حرف زشتی زد این نوع برخوردها انجام نشود. اگر در محدوده‌ی مسئولیت شما نیست و نمی‌توانید روی افراد تاثیر مثبت بگذارید، در خلوت به بچه‌تان توضیح دهید که مادر جان! این‌ها دارند تو را مسخره می‌کنند و به حرف زشتی که آبروی تو را برده است، می‌خندند. عزیزدلم هر خنده‌ای همیشه قشنگ نیست. گاهی لازم است حدود معنی‌اش را به او بگویند و بعد کلمات مناسبی را برایش قرار دهید تا بتواند جایگزین استفاده کند؛ مثلاً به فرزندم یاد بدهم برای تخلیه‌ی خشم وقتی که دلش می‌خواهد چیزی بگوید و حال طرف مقابل بد شود، بگوید بد، بد، بد! کلمه‌ی بد، کلمه‌ی خیلی واضحی است. وقتی آدمی که حرف زشت می‌زند حضور ندارد، به فرزندمان بگوییم این آدم خوبی‌هایی دارد (خوبی‌هایش را بشماریم)، بعد بگوییم اما این کار، رفتار و حرفش خیلی زشت است و خدا هم کسی را که فحش بدهد به بهشت راه نمی‌دهد، آدم‌های فحش‌دهنده مثل آدم‌های کینه‌ای راهی به بهشت ندارند. به شکل‌های مختلف به فرزندم کمک کنم بفهمد که کلام و رفتار زشت مورد پسند خدا و خلق خدا نیست.

در عین حال تلاوت سوره‌ی حجرات و همزه کمک می‌کند تا فرد از زشت‌گفتاری جدا شود و حرف‌های زشت ادامه پیدا نکند.

## بی‌حیایی سر منشاء زشتی‌ها

به طور کلی ما باید زمینه را به گونه‌ای فراهم کنیم که بچه‌ی ما به زشتی کشیده نشود. سر منشأ زشتی این است که حیای فرزندان بریزد. خیلی از حرف‌ها، کارها و رفتارهایمان می‌تواند به حیا آسیب بزند و قطعاً می‌تواند انواع زشتی‌ها را برای بچه عادی کند و اگر زشتی برای بچه عادی شود، نسبت به آن زشتی اصطلاحاً غیرت دینی‌اش را از دست می‌دهد. نتیجه‌ی این خواهد شد که هم خودش به آن زشتی مبتلا می‌شود و هم اگر این زشتی را جایی ببیند، برایش چیز عجیب و زشتی نمی‌آید یعنی بنایش بر این خواهد بود که **مگر چه اشکالی دارد؟** کلمه‌ی مگر چه اشکالی دارد بچه‌های ما را مورد غضب خداوند قرار می‌دهد چون اگر ما زشتی یک امر زشت را به فرزندان نگفته باشیم، هم ما مواخذه می‌شویم و هم فرزندان با زشتی انس پیدا می‌کند و دوست‌های خوبی انتخاب نمی‌کند. قرآن می‌فرماید: حواستان باشد، نکند که شما جزء کسانی باشید که اصطلاحاً تشییع فاحشه می‌کنند. ( فاحشه به گناه خیلی زشت گفته می‌شود). شیوع آن هم این است که مثلاً زیاد از آن حرف زده شود و درمورد آن فیلم و عکس و چت فرستاده شود. در نتیجه آن گناه بارها و بارها حتی به شکل پاسخ‌گویی به سوالات اعتقادی، مطرح می‌شود و این بسیار خطرناک است. کسی که گناهی را علنی انجام می‌دهد، دچار یک بیماری به نام فسق می‌شود. خداوند به این افراد وعده‌ی آتش دوزخ داده است. سوره‌ی منافقون آیه ۶ " إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ". خداوند قوم فاسقان را هدایت نمی‌کند.

امیرالمومنین در کتاب شریف غررالحکم، حدیث ۴۲۵ می‌فرمایند: "فرّوا کل الفرار من الفاجر الفاسق!" از آدم‌هایی که گناه آشکار می‌کنند و فاسق شدند فرار کنید، نه فرار معمولی بلکه فرار جدی. این چیزی است که من باید به فرزندم یاد بدهم. فرزند من در مدرسه، با هم شاگردی‌ها، معلم‌ها و فضای مجازی و ارتباطات خانوادگی و اجتماعی در معرض گناه آشکار واضح قرار

می‌گیرد، می‌بیند و می‌شنود. آیا من در اینجا وظیفه‌ای دارم یا ندارم؟ امیرالمومنین می‌فرمایند: خیلی جدی فرار کنید و این فرار کردنتان هم عادی نباشد؛ یعنی همه جوره از چنگ این آدم‌ها فرار کنید.

به فرزندم باید بگویم که مادر جان! کسی که لباس نامناسب می‌پوشد، حرف زشت می‌زند یا رفتار زشت می‌کند، یک آدم معمولی نیست، مریض است. اگر می‌بینی به زشتی مبتلا است و توبه نمی‌کند و نهی از منکر شما روی او اثر ندارد، امیرالمومنین فرمودند تا آنجا که می‌توانی از دست او فرار کنید اما همه جوره؛ یعنی اجازه ندهید برای شما پیام یا عکس بفرستد یا در گروه خاصی شما را عضو کند. اجازه ندهید برایتان دلسوزی کند. حضرت امیر می‌فرماید " مَنْ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ أَرْغَمَ نُوفًا أَلْفَاسِقِينَ " اگر کسی نهی از منکر کند بینی آدم‌های فاسق را به خاک ذلت مالیده است؛ یعنی حواست باشد بخواهی یا نخواهی، نهی از منکر تو اثر ویژه دارد چون سطح حیای اجتماعی را ارتقا می‌دهد و زمینه‌ی رشد را فراهم می‌کند و این موجب می‌شود جلوی فسق گرفته شود.

پس ما و فرزندانمان باید: 1- گناه‌ها را بشناسیم. 2- تقوای خودمان را بالا ببریم و عذاب خدا در این زمینه را جدی بگیریم. 3- از محیط و افراد آلوده فراری باشیم. 4- توبه از گناهان گذشته داشته باشیم. 5- بعد عبادی خود را تقویت کنیم.

کتاب *گناه‌شناسی* از آقای جهرمی و کتاب *گناهان کبیره* از شهید دستغیب از کتاب‌های خیلی خوب هستند که متناسب با سن فرزندان جزء برنامه‌ی هر شب نمره‌ی ۲۰ خود بگذارید.

## قاعده "هر شب نمره‌ی 20"

لازم است هر شب فقط ۲۰ دقیقه وقت بگذارید، کنار هم باشید و بهترین خوراکی‌ها را بیاورید و محفل آرایبی کنید. از کیک و ژله گرفته تا تخمه و انواع خوراکی‌های مختلف که می‌دانید حال دلشان را خوب می‌کند. هر شب ۲۰ دقیقه قرار است یک کار مشترک کنید. این ۲۰ دقیقه و کار مشترک اصلِ هدفِ ماست مثلاً یک شب قرآن خواندن باشد و هر کدام از بچه‌ها قرآن بخوانند. یک

شب ۲۰ دقیقه یک رمان قلم پاک بخوانید؛ یک رمان خوب انتخاب کنید که همه بفهمند و آن را همخوانی کنید. یک شب شعر بخوانید. یک شب طنزهای خوب پاک بگویید. یک شب همه یک خاطره از کارهایی که اشتباه کردند و بعد متوجه شدند و خجالت کشیدند و یا کارهای خوب و قشنگی که خودشان انجام دادند، تعریف کنند. خاطره گفتن مادر، پدر و بچه‌ها خیلی کمک می‌کند که به هم نزدیک شوند. یک شب به تعداد افراد خانواده به یک نفر برگه بدهید و هرکسی یک انتقاد به یکی از اعضای خانواده کند و آن برگه را به آن فرد هدیه بدهید. امام صادق فرمودند: "أَحَبُّ إِخْوَانِي إِلَيَّ مَنْ أَهْدَى إِلَيَّ عُيُوبِي": دوست داشتنی‌ترین دوستان من و برادران من کسانی هستند که عیب‌های مرا به من هدیه بدهند.

از قانون شش به اضافه‌ی یک استفاده کنیم: شش خوبی از او بگوییم و بعد یک عیب او را بگوییم. همه به صورت کاغذهای در بسته به هم انتقاد کنند و یک انتقاد هم به خودشان بکنند. در انتها همه، به تعداد افراد خانواده از زوایای مختلف دیده شدند. اینکه درباره‌ی عیب‌هایتان گفتگو داشته باشید و امکان برطرف کردنش فراهم شود، می‌تواند هم‌افزایی خانوادگی را بیش‌تر کند. یک شب انس با شهدا باشد، از کتاب عارفانه سلام بر ابراهیم و سایر کتاب‌ها یک خاطره خوانده شود و بحث و گفتگو شود. یک شب دعاخوانی و مناجات خوانی داشته باشیم، به جای اینکه صدای یک مداح را بگذاریم هر یک از اعضای خانواده بخوانند، از مناجات شعبانیه گرفته تا مناجات مسجد کوفه و سایر مناجات. یک شب بازی دسته جمعی از اسم فامیل گرفته تا بازی دومینوی خانگی داشته باشید. هر چه بتوانید هر شب نمره‌ی ۲۰ خود را جدی‌تر انجام دهید، فرصت رشد عقلانی، رشد عاطفی و زیباتر شدن جو خانوادگی برای همه‌ی شما بیش‌تر خواهد بود.

مهم است که ما ارتباطاتمان را در خانواده خیلی قوی کنیم تا جایی که باید بچه‌ها را نسبت به بدها و بدی‌ها محرومیت بدهیم و باید به آن‌ها آموزش بدهیم تا بچه‌های ما سرمایه‌دار شوند؛ یعنی پرهیز از آن بدی‌ها در آن‌ها درونی شود. و الاً طبیعی است که ابتدا به خاطر کم بودن سن، حرف شما را تبعیت می‌کنند اما از شما دلخور خواهند بود. به محض اینکه بتوانند با شما مخالفت کنند روی دنده‌ی لجبازی می‌افتند و دقیقاً ۱۸۰ درجه برعکس آن چیزی که به شما نشان می‌دادند

عمل خواهند کرد چون می‌خواهند در لجبازی نشان دهند شما همه کاره نیستید و این خیلی خطرناک است چون ارزش‌ها درونی نشده است.

## پرسش و پاسخ

**سوال 1:** به پسر ۴ ساله‌ام گفته‌ام که چشم‌هایمان نباید بدن دیگران را ببیند. هنگام تعویض لباس و شلوار سعی می‌کنم دور از دید او باشم ولی پسر ناراحت می‌شود و می‌گوید من نمی‌خواهم بزرگ شوم، می‌خواهم کوچک باشم و هنوز هم بدن مادرم را ببینم. این ناراحتی‌ها طبیعی است؟ چگونه رفتار کنم؟

**پاسخ:** قاعده این است که هر وقت محرومیت به جا و درستی باید به بچه‌ها بدهیم، حتماً به او یک امتیاز هم بدهیم. یعنی من که می‌خواهم فرزندم بدن من را نبیند چون حس می‌کنم وارد حیطه‌ی هوشیاری جنسی می‌شود، به جای اینکه به او بگویم: ما نباید بدن مادر یا پدر را ببینیم. به او بگویم: اگر چشم‌هایت را ببندی و صبر کنی تا من به اتاق بروم و لباسم را عوض کنم و بیایم، من فرمول فقط ۳ دقیقه را اجرا می‌کنم؛ یعنی ۳ دقیقه فقط تو را در آغوش می‌گیرم. تو می‌توانی من را ببوسی و من هم تو را ببوسم. این را به عنوان جایزه بگذارید. ممکن است بپرسد: مگر می‌خواهی چه کار کنی؟ می‌خواهم لباس‌هایم را عوض کنم. مادر همین‌جا عوض کن. نه، قربان تو بشوم عیب است که وقتی ما بزرگ شدیم پیش هم لباسمان را عوض کنیم، حتی بچه‌ها هم نباید این کار را بکنند. ببین مثلاً خاله جان یا عمه جان می‌خواهند بچه را عوض کنند، او را یک گوشه می‌برند و پوشک را باز می‌کنند.

**سوال 2:** آیا آرایش کردن مادر در مقابل دختر ۲ ساله با تربیت جنسی متناقض است؟

**پاسخ:** آرایش با پیرایش فرق دارد. اگر منظورتان اصلاح صورت و ابرو است، اگر فرزندان خیلی هوشیار نیست اشکالی ندارد مگر اینکه بخواهید بدن را پیرایش کنید. اما چهره اشکالی ندارد. ولی این لزوماً ربطی به تربیت جنسی ندارد و به تربیت الگویی یا تقلیدی ربط دارد مثلاً شما موچین را

در دست می‌گیرید ابروی خود را مرتب می‌کنید، فرزند شما یک چیزی برمی‌دارد و به ابرویش می‌زند و آن را تکرار می‌کند. بچه در آن حیطة می‌تواند احیاناً به خود آسیب بزند از این جهت این مراقبت‌ها را داشته باشید. مادرهایی که گاهی فرزندانشان را بدون لباس با خود به حمام می‌برند و گاهی اوقات هم فرزند خود را به آرایشگاه می‌برند، در این محیط‌ها امکان دارد بچه‌های زیر 4 سال از جهت الگوی تقلیدی آسیب ببینند و بچه‌های زیر 7 سال امکان دارد در تربیت جنسی‌شان اختلال ایجاد شود.

**سوال 3:** پسر 12 ساله، دختر 8 ساله و پسر 4 ساله دارم. پسر کوچکم گاهی با دیدن بچه‌های کوچک دوست دارد آلت جنسی‌اش را در بیاورد و نشان دهد و چیزی را می‌گوید که فکر می‌کنم شیر دادن مادری را دیده و آن جمله را تکرار می‌کند و چون ایشان سینه ندارد این جمله را بیان می‌کند. باید چه کار کنم تا فراموش کند؟ البته در این مدت سعی کردم دیدارم را با بچه‌های کوچک کم کنم. به خواهر و برادرش هم می‌گویم ولی آن‌ها می‌گویند کار زشتی است.

**پاسخ 3:** اگر نسبت به عضو جنسی‌اش تاکید به خوردن می‌کند. این لزوماً معنی‌اش قصه‌ی شیر دادن نیست، شما به عنوان یک خانم متاهل این را می‌فهمید. این معنی‌اش سکس اورال است به عنوان یک رفتار. در این موقعیت بدون خشم او را تنبیه کنید؛ یعنی روی دست او بزنید، اخم کنید و بگویید: کار تو خیلی زشت است و حرفت هم خیلی بد است دیگر این کار را نکن. کاملاً محرومیت بدهید و نشان دهید که این رفتار، رفتار عادی نیست. شاید کسی دقیقاً این حرف را به او زده است. این را یک رفتار عادی و ساده نگیرید.

**پرسش 4:** اگر در اتاقی که بچه خوابیده به ناچار رابطه‌ی جنسی رخ بدهد ولی بچه دید نداشته باشد و صدایی ایجاد نشود ایراد دارد؟

**پاسخ:** شما نمی‌دانید دقیقاً در حین ارتباط حریم خلوت، بچه بیدار است یا خیر. تاکید شده است که بچه حتی صدای نفس پدر و مادر را هم نشنود. بچه را برای یک زمان خیلی کوتاهی بیرون از اتاق بگذارید یا به کسی بسپارید؛ یعنی زمینه‌سازی کنید. چطور اگر یک موش به اتاق شما آمده

باشد فوراً بچه را جابجا می‌کنید و می‌گویید نکند به رختخواب بچه برود؟ یعنی احساس خطر می‌کنید. در این مورد هم باید احساس خطر کنید. در اتاقی که پدر و مادر رابطه‌ی حریم خلوت دارند، احتمال بیدار شدن بچه با صدا و نفس کشیدن‌ها وجود دارد. خودِ بچه به طور طبیعی امکان دارد بیدار شود. این احتمال را بدهید و رفتارتان را اصلاح کنید. این احساس خطر نکردن بعداً کار دست شما خواهد داد. شما هم در دنیا با دیدن رفتارهای عجیب و احساسات عجیب از فرزندان عقوبت می‌شوید و هم در آخرت خدا از شما حساب خواهد کشید.

**سوال 5:** اگر بچه‌ها، پسری ۲ ساله و دختری ۵ ساله، عمه‌ای داشته باشند که لباس‌های خیلی باز می‌پوشد چه باید کرد؟

**پاسخ:** ارتباط خود را با این عمه نزدیک به صفر کنید. بهانه درست کنید و به همسرتان (دقت کنید اندازه عقل و ایمان همسرتان چه قدر است) توضیح دهید و به بچه‌ها هم بگویید که زشت است آدم این لباس را بپوشد. اگر گفتند چرا عمه جان می‌پوشد؟ بگویید عمه جان هم یک سری کارهای اشتباه می‌کند. وقتی که عمه جان اشتباه می‌کند ما باید مراقب باشیم که پیش او نرویم. همیشه یادتان بماند در کنار محرومیت جایزه داریم. به جای اینکه به خانه‌ی عمه برویم به شهر بازی می‌رویم و... این را باج ندانند، بدانند که به جای خانه‌ی عمه جان، برویم بگردیم؛ یعنی بدانند که جایزه‌ی ندیدن چنین عمه‌ای گشت و گذار جدی و دلپسند است.

**پرسش 6:** دختر ۴ ساله‌ای بغل برادر ۱۰ و ۱۶ ساله می‌نشیند یا شب بیدار می‌شود می‌رود و کنار آن‌ها می‌خوابد. گاهی آقایان فامیل هم او را بغل می‌کنند. نمی‌دانم چگونه تذکر بدهم.

**پاسخ:** تذکر بدهید؟ تذکر ندارد. درست رفتار کنید. اگر شما را ببینید جلوی چشمتان دارند فرزندان را اذیت می‌کنند مثلاً کسی با ناخن روی دست بچه‌ی شما می‌کشد و می‌بینید دست فرزندان خراش می‌خورد شما می‌روید آنجا و تذکر می‌دهید؟ تذکر ندارد، رفتارتان را اصلاح کنید. خواهشاً در تربیت جنسی فرزندان غیرت مادری‌تان پایین نباشد. دختر بچه‌ی کوچک ۴ ساله‌ای که کنار برادر ۱۰، ۱۶ ساله می‌خوابد، می‌دانید که می‌تواند برای آن‌ها فاجعه درست کند؟ خیلی



جدی بایستید و بگویید: خیر! هم به پسرها جداگانه بگویید که مادر جان! باید یاد بگیرد که دخترها با دخترها و پسرها با پسرها در محل خواب باید متفاوت باشند. خواهر باید سر جای خودش بخوابد. پسرها را به اندازه‌ی عقل خودشان کاملاً توجیه کنید. همین طور دخترتان را توجیه کنید. در طول روز برای اینکه دخترتان ارتباط فیزیکالش به طور ایمن تامین شود، وسط پذیرایی کنار خودتان بخوابانید و ارتباط لمسی با دست و موهایش داشته باشید. البته خیلی زیاد نه که معتاد شود. اجازه هم ندهید کسی او را بغل کند. به بچه هم بگویید: وای، قرار نیست آدم بغل عموجان، شوهرخاله و... برود. خواهش می‌کنم بفهمید ما در زمانه‌ی زندگی می‌کنیم که سواستفاده‌ی جنسی از بچه‌ها تبدیل به یک ناپهنجاری جنسی رایج شده است.

**سوال 7:** آیا می‌شود جلوی پسر لباس آستین حلقه‌ای پوشید؟ تا چه سنی؟

**پاسخ:** میزان هوشیاری جنسی فرزندتان را نگاه کنید. اگر نگاه، رفتار و شیوه‌ی لمس او حساسیت ویژه‌ای دارد و خاص است، ترجیحاً بنا بر این باشد که لباستان آستین کوتاه باشد. چهار انگشت بالای آرنج؛ یعنی اگر آستین شما کوتاه است تا اندازه‌ی حد وضو باز باشد و اگر باز حتی همین اندازه هم می‌بینید که بچه‌ها هیجان جنسی نشان می‌دهند، هم شروع به درمان‌گری بچه کنید و هم اصلاح رفتار خودتان. ولی آستین حلقه‌ای خیر! به تدریج از آستین حلقه‌ای به رکابی می‌رسد و از رکابی به نیم تنه می‌رسد، از نیم‌تنه به دامن کوتاه می‌رسد و...

**سوال 8:** پسر ۶ ساله‌ای که بدن مادرش را اتفاقی دیده است. چه کار کنیم در ذهن او نماند؟ گفت مادر تو را دیدم. گفتم: اشکالی ندارد تو پسر من هستی. بعد گفت: من دخترخاله را هم دیدم. حمام بود و در حمام کمی باز بود او را دیدم.

**پاسخ:** اگر عضو جنسی را دیده است پس قسمت ندیدنی را دیده است. در این حالت وقتی می‌گوید مادر تو را دیدم، شما به چه حقی می‌گویید اشکالی ندارد؟ وقتی می‌گوید تو را دیدم بگویید وای چه کار بدی مادر جان! این خیلی کار زشتی است. مقابل هم‌جنس خودش برایش توضیح دهید که: اگر بابا دستشویی باشد تو در دستشویی را باز می‌کنی و او را نگاه کنی؟ خیلی

کار زشتی است. از راه چیزی که می‌فهمد، چیزی را که نمی‌فهمد برایش جا بیاندازید و بعد وقتی می‌گوید: دخترخاله را هم دیدم شما باید بگویید: فکر نمی‌کنی اگر او بفهمد چه قدر ناراحت می‌شود؟ فکر نمی‌کنی اگر کسی تو را نگاه کند تو اذیت می‌شوی؟ کاملاً زشتی موضوع را برایش جا بیاندازید و آلا این تبدیل به یک اختلال می‌شود. ما یک اختلال جنسی به اسم چشم چرانی داریم. چشم چرانی در حالت ساده‌اش این است که مرد یا زنی نسبت به جذابیت‌های پیدای یک جنس مخالف نگاه حریصی داشته باشد؛ یعنی مثلاً دست، صورت و پا و همین حجم بدن طرف مقابل با لباس را که می‌بیند تحریک جنسی شود اما یک بیماری حادتر از این را داریم که فرد ترجیح می‌دهد قسمت‌های ناپیدای بدن افراد را ببیند و حتی از این موضوع ارضای جنسی برایش رخ خواهد داد؛ یعنی کار تا جایی پیش می‌رود که فرد به رضایت کامل جنسی می‌رسد و واکنش جنسی نشان خواهد داد. این را بدانید که جزء گناه‌های خیلی رایج است.

**سوال 9:** همسرم قبول نمی‌کند وقت حریم خلوت، بچه‌ی خواب را جابجا کنم، ممکن است بیدار شود و بهانه بگیرد، روی او را می‌پوشانم.

**پاسخ:** حق ندارید بچه را در اتاق خود بخوابانید. شما که همسر و خودتان را می‌شناسید، لطف کنید بچه را مطلقاً در اتاق خود نخوابانید.

**سوال 10:** دختر ۵ ساله و پسر ۳ ساله کنار هم با تشک جدا بخوابند اشکالی دارد؟

**پاسخ:** تشک جدا واقعاً حل مسئله است؟ خیر! اصلاً کنار هم خوابیدن نداریم. شما سطح کنجکاوی جنسی بچه‌های الان را واقعاً نمی‌شناسید؟ آن‌ها را جدا قرار دهید.

**سوال 11:** دختر ۴ ساله دارم. به شهرستان که می‌آییم به پسرعمه‌ی ۷ ساله‌اش می‌چسبم. موقع خواب ظهر لج می‌کند که می‌خواهم پیش او بخوابم. وقتی می‌گویم: نه کار درستی نیست. می‌پرسد: چرا؟ گریه می‌کند و با لجبازی‌هایش همه را عاصی می‌کند. بعضی وقت‌ها به خانه‌ی

عمه‌اش می‌رود و ظهر برنمی‌گردد. لج می‌کند و مجبور می‌شویم به زور از خانه‌ی عمه‌اش او را بیرون بیاوریم. نمی‌دانم چه کار کنم که من و بقیه ناراحت نشوند و من آدم بد نشوم.

**پاسخ:** از مادر بودن‌تان استفاده کنید. شما آنقدر با فرزندتان بازی نکردید، حرف نزنید و رشد عاطفی و فکری در او ایجاد نکردید که حرف شما را به پیشیزی نمی‌خرد. خیلی جدی بایستید بگویید: نه. از جهت روحی، فکری، عاطفی و هم بازی بودن با فرزندتان در خانه خوب و عمیق باشید. به او موقعیت‌های خصوصی بدن را بدون حساسیت و تحریک‌گری درست یاد بدهید. به او بگویید: ما به شهرستان نمی‌رویم. یکی دو بار محرومیت بدهید بگویید ما نمی‌آییم. به همسرتان هم بگویید: می‌ترسم این بچه با کنجکاو‌های سنش، به خودش و دیگران آسیب بزند و خودش را بی‌آبرو کند و بقیه را دچار مشکل کند. با قاطعیت اما با محبت بایستید. محکم بگویید: تو دیگر خانم شدی. این کارها بد است و مثال‌های مختلف بزنید و اجازه ندهید.

**سوال 12:** دختر ۳ ساله و نیمه دارم. خیلی به زیبایی اهمیت می‌دهد و می‌گوید: می‌خواهم عروس شوم. اصلاً عروسی نرفته و مدام ظاهرش را با دیگران مقایسه می‌کند و می‌گوید آن‌ها قشنگ‌تر هستند.

**پاسخ:** در خانه پرداختن به زیبایی‌های مو و زدن کرم‌های خیلی معمولی مرطوب‌کننده را با یک مراسم انجام دهید. گفتیم در رابطه با دختر بچه‌هایی که می‌خواهید از جهت حجاب تقویت کنید حتماً باید برایشان جعبه‌ی زیبایی یا صندوقچه‌ی زیبایی درست کنید. ترجیحاً هم جزء کاردستی‌ها باشد و از بیرون نخرید. در آن انواع گل سرها را بگذارید. بگویید: تو الان عروس نیستی، عروسک هستی. تو خودت مثل یک عروسک هستی؛ یعنی کلیدواژه را عوض کنید. نگویید که بیا می‌خواهم عروست کنم چون بعد از آن مفاهیم مختلف دیگری را هم در ارتباط با دیگران کسب می‌کند آسیب‌زا می‌شود. بگویید: وای تو که نباید عروس شوی، تو خودت عروسک هستی قربان تو بشوم. می‌گوید: یعنی چه؟ بگویید: تو خانم خانم‌های کوچک من هستی. وقتی موهای تو را خوشگل کنم، وای چه قدر خوشگل می‌شوی! یک آینه‌ی بزرگ جلوی او بگذارید و شروع کنید

با ناز و نوازش موهایش را شانه کنید. موهایش را آراسته و پیراسته کنید. صندل زیبا که بتواند در خانه بپوشد داشته باشید و بعد خودتان بگویید: بسیار خب! امروز صورتی بپوشیم. مادر و دختر هم رنگ بپوشند. مادر چه کار کند؟ مادر هم همانطور موهایش را خوشگل کند، لباسش را خوشگل کند، دست‌هایش را کرم می‌زند و ناخن‌هایش را مرتب می‌کند. هر روز هم یک رنگ عوض کنید. بچه‌ها رنگ را بهتر می‌فهمند. رنگ و زیبایی مو را جایگزین رفتارهای غلط کنید. در فضای مجازی و تلویزیون هم، هر چیزی که می‌تواند فرزندتان را وارد هوشیاری‌های اضافه کند کم کنید. احتمال دارد این اختلالی که در فرزند بوجود آمده است مربوط به اختلال‌های دوران بارداری شما است. شما چنین قصه‌هایی را در دروان بارداری داشتید و حالا به فرزندتان به ارث رسیده است. باید بتوانید کنترل و کمرنگ کنید.

**سوال 13:** پسر ۴ ساله مدام می‌پرسد: سینه‌های مادر چیست. دوست دارد دست بزند. برایش سوال است که روی سینه‌ی خودش چیست؟ همانطور که شما گفتید او را در آغوش می‌گیرم ولی کلاً برایش سوال است. در مورد نحوه‌ی به دنیا آمدن بچه‌ها هم می‌پرسد.

**پاسخ:** سوال، سوال نامفهومی است. آیا از نزدیک دارد می‌بیند؟ آیا زودتر از حد موعد او را از شیر گرفته‌اید؟ ببینید مشکل از کجا شروع شده است؟ وقتی که می‌گوید: سینه‌های مادر چیست؟ بگویید: سینه‌ی مادر (نگویید سینه‌ها)، آغوش مادر، سینه نه! آغوش مادر خود بهشت است، هر وقت کار خوب انجام دهی مادر تو را در آغوش می‌گیرد و اجازه بدهید که سرش را بالای دو سینه‌ی شما و نزدیک گردن بگذارد. اگر گفت سینه‌ی من! بگویید: اینجا قلب تو است؛ یعنی باید بفهمد. مفهوم را تغییر دهید و بگویید اینجا قلب تو است، صبر کن ببینم. سپس سرتان را آهسته روی قلبش بگذارید و بگویید: وای قلب تو مدام می‌گوید: من مادر را دوست دارم، من بابا را دوست دارم، من خدا را دوست دارم. وای که چه قدر قلب تو خوب است. من سرم را روی قلب تو بگذارم تو من را سفت در بغل بگیر. به عنوان یک روش و بازی به او یاد بدهید تا کم کم برایش به عنوان یک خاطره‌ی شیرین شود که آغوش مادر سر جای خودش هست.

اینکه چه دیده و چه شنیده است خیلی مهم است، باید آن‌ها را به دست بیاورید. هر وقت فرزندان رفتار یا سوالی و یا گفتاری بیش‌تر از سن خود دارد، شست‌تان خبر دار شود، این بچه یک چیزهایی دیده و یک چیزهایی شنیده است که در سطح سنی‌اش نبوده و او را تحریک کرده است. مثلاً ظرفی که یک سوسک مرده داخل آن است را چه کار می‌کنید؟ آن سوسک را در سطل می‌اندازید و آن ظرف را می‌شوید. دقیقاً همین کار را با ذهن و دل فرزندان بکنید، وقتی می‌بینید رفتار و گفتار نامتناسب با سن خود در رابطه با مسائل جنسی یا مسائلی که منتهی به مسائل جنسی می‌شود، دارد به یاد مثال سوسک مرده بیافتید و اولین کاری که می‌کنید بدون خشم و هیجان اضافی، عاقلانه و هوشمندانه سعی کنید سوسک را از ظرف بیرون بکشید و بگویید: تو چه چیزهایی می‌دانی؟ به من می‌گویی؟ لحن، کلام و کلمات خود را متناسب با سن او بکنید و ابتدا اطلاعات او را تخلیه کنید. ببینید چه چیزی می‌داند. چه چیزی دیده یا فهمیده است؟ بعد به اندازه‌ای که او می‌فهمد و غیرمحرک است، اطلاعات ناقصش را به شکل صحیح غیر جنسی اصلاح و تکمیل کنید.

مثلاً برای بچه‌ی ۴ ساله، وقتی که بعداً فهمیدید چه می‌داند، اگر گفت مثلاً به من گفتند بچه‌ها را از دل مادرها بیرون می‌کشند. مادر و پدرها باید باهم باشند تا بچه‌دار شوند. شما به جای اینکه خشمگین شوید، نعل وارونه بزنید و بگویید: قربان تو بشوم، تو دوست داری ما یک برادر یا خواهر دیگر داشته باشیم، دلت می‌خواهد؟ یعنی اصلاً سوال را به جای دیگر پرتاب کردید. می‌گوید: نه، من می‌خواهم بدانم خدا من را چگونه به شما داده است؟ یادتان باشد اصل خلقت را بگویید: وقتی خدای مهربان دید من و بابا خیلی دلمان می‌خواهد یک بچه‌ی خوب باادب و... (صفت‌هایی که می‌خواهید داشته باشد را بگویید)، داشته باشیم؛ وقتی ما همدیگر را دوست داشتیم خدای مهربان تو را به ما داد، بعد تو در دل مادر بودی (اگر حاملگی کسی را در اطرافیان دیده) می‌گوییم من مدام غذا خوردم و خدا هم از غذاهای من چند لقمه به تو داده است و بزرگ و بزرگ‌تر شدی تا اینکه دل مادر درد گرفت. خدا گفت: این بچه کامل شده و می‌خواهد بیرون بیاید و پیش شما باشد تا شما مدام او را بوس کنید و ناز کنید و دوستش داشته باشید که این بچه کارهای خوب

بکند، درس بخواند، حرف‌های خوب بزند و خدا را عبادت کند. تو به دنیا آمدی و ما بیمارستان رفتیم و حالا تو پیش ما آمدی. نقش خدا را پر رنگ کنید، محبت بین والدین را پر رنگ کنید. اگر خواهر و برادر دیگری (بزرگ‌تر) هست بگویید: تو آنقدر خوب بودی که خدای مهربان دلش می‌خواست تو تنها نباشی. این خواهر یا برادر را از بهشت برای ما فرستاد.

**سوال 14:** دختر ۵ ساله‌ای دارم که لباس‌های نیم آستین و بدون ساپورت می‌پوشد، هنگام بیرون رفتن به زور برایش شلوار می‌پوشانم، شلوار را بالا می‌کشد در حد شلوارک می‌کند. چون خودم همین مدلی هستم می‌ترسم بزرگ شود و این رفتار ادامه پیدا کند.

**پاسخ:** این رفتار را در اطرافیان دیده است. وقتی در خانه هستید شلوارک بپوشد و برای دخترتان هم شلوارک درست کنید. ما رفتار را رفتارِ کاملاً الگویی و آینه‌ای انجام می‌دهیم؛ یعنی وقتی کسی نیست، شما در خانه تاپ و شلوارک بپوشید و بعد به جلوی آینه بروید و بگویید برای تو هم درست کردم، بپوش، چه قدر زیبا شدیم. جلوی آینه برویم و قربان صدقه‌ی بچه بروید. نیم ساعت که گذشت بگویید: وای من اصلاً خوشم نمی‌آید، تمام پاهایم دیده می‌شود، بروم یک دامن زیبا بپوشم. دامن بلندی که رنگش متضاد یا هم رنگ با تاپ شما است بپوشید. بعد جلوی آینه بروید بگویید: وای چه قدر زیبا شدم. یک دور به دور خودتان بچرخید و بگویید: وای چه دامن زیبایی دارم. می‌گویند: نخیر، شلوارک من زیباتر است. بگویید: اگر تو دوست داری با شلوارک باشی، باش ولی نگاه کن پاهایت مثل نی قلیان پیدا است ولی پاهای من زیر دامن است. دامن من مثل یک گل شده است. مثل دو بچه باهم هم‌زبانی کنید و ذهن و فکرش را به این سمت بکشانید که می‌شود مدل‌های زیباتری هم بود. بعد می‌گویند: من که دامن ندارم. بگویید: اگر تو دامن بخواهی و دختر خوبی باشی شاید برای یک دامن می‌دوزم یا می‌خرم ولی باید ببینم چه قدر خانم هستی چون هر که خانم‌تر باشی و حجابت بهتر باشد، باید خیلی بهتر در خانه باشد. خواهش می‌کنم این را بگویید و عمل کنید. در قبال تاپی که پوشیدید بگویید: بسیار خب! این تاپ یک کت زیبا هم رویش می‌خواهد. خواهش می‌کنم لباس‌های مختلف را به بچه‌ها معرفی کنید و بپوشید و به فرزندان‌تان یاد بدهید که زیباپوشی بدون عریان‌گرایی وجود داشته باشد. بعد که می‌خواهید بیرون

بروید با یک دقت و شبه‌وسواسی، مثلاً خودتان ست کردن روسری و لباس و مانتو و یک چادر زیبا، بگویید: وای قربان خدا بروم که من را آفریده است. خدا جان ممنون هستم که من را این قدر زیبا آفریدی. حالا تو می‌خواهی چه چیزی بیوشی؟ می‌خواهی همین طور با لباس خانه بیایی؟ باشد ولی من که خجالت می‌کشم. به او یاد بدهید که مفاهیم زیبایی را به شکل قشنگ و ناب پیدا بفهمد.

**سوال 15:** دو خواهرشوهر دارم. یکی دختر دارد، بوس و بغل می‌کند. خواهر شوهر دیگرم دو پسر ۶ و ۵ ساله دارد. ناراحتی و حسادت می‌کند که من با بچه‌هایش حرف نمی‌زنم. من چه طور می‌توانم به فرزندانش محبت کنم؟ من در همین حد می‌گویم: سلام آقا محسن خوبی؟ می‌توانم به لپ یا سرشان دست بزنم؟

**پاسخ:** اگر بچه هوشیاری جنسی ندارد تا سن زیر ۷ سال رفتار طبیعی داشته باشید. رفتارهای بعدتان به عنوان اینکه آقا صدایشان کنید ولی الان نه. الان از خریدن کتاب و هدیه دادن خوراکی، سعی کنید محبت را نشان دهید و بعد جلوی این‌ها، خیلی دختر بچه‌ها را بغل نکنید، ناز کنید و دست روی موهایشان بکشید. معمولاً روی سر پسر بچه‌ها را یا کتف راستشان و یا روی پیشانی‌شان را ببوسید (بوسه‌های کرامت که قبلاً اشاره کردیم: پیشانی، روی سر و کتف راست) و بعد به شکل خیلی معمولی قربان صدقه‌شان بروید، بگویید: وای چه پسر خوبی! بگو ببینم این هفته چه چیزهایی یاد گرفتی؟ سوره‌ی جدید یا شعر یاد گرفتی تا برای زندایی بخوانی؟ هر چیزی که فکر می‌کنید بلد است و می‌تواند خودابرازی و خوداظهاری داشته باشد، از او بخواهید تا آشکار کند و آن‌ها را تحویل بگیرید؛ یعنی قرار نیست ما یک جریان فمنیستی راه بیاندازیم که فقط دخترها را تحویل بگیریم و بعد پسرهایمان عقده‌ای شوند. در همین حد، طبیعی تحویل بگیرید و ابراز محبت کنید.

**تمرین‌ها:**

علاوه بر تمرین‌های قبل: 1- خواندن سوره‌ی حجرات و همزه به عنوان یک مهارت 2- مراقبت به  
ست کردن لباس، نظم و نظافت و مرتب بودن خانه

همکاران  
مهدی